

بِسْمِ اللَّهِ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ

الميزان خوانی جلسه صدوهجدهم - سوره مبارکه اسراء - ۱ / آبان / ۱۴۰۲

- اتمام سیاق ۵۶ تا ۶۵

- شروع آیات سیاق ۶۶ تا ۷۲ تا ابتدای آیه ۶۸

"بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ بِهِ نَسْتَعِينُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ "

اتمام سیاق ۵۶ تا ۶۵

جلسه صدو هجدهم المیزان سوره ی اسراء، سیاق آیات پنجاه و شش تا شصت و پنج. ما تا سر آیه ی شصت و چهار خوندم بحث شیطان بود و سجده نکردنش امروز ان شاءالله ادامه میدیم تا به حول و قوه ی الهی سیاق رو تمام بکنیم و نکته هایی از سیاق دریافت کنیم.

خیلی ممنونم از دوستانی که اون درخواست بنده رو انجام دادن بحث شجره الملعونه و یکی از عزیزان خیلی مرتب و منظم، یه نوجوانی هم هستن، همین جا من ازشون تشکر کنم خیلی جالب این رو دسته بندی کرده بودند واقعا خدا خیرشون بده ان شاءالله که تو این مسیر باشن و فهم خیلی خوبی داشتن از متن المیزان. این نمودار کشیدنا از متن های المیزان خیلی برای فهم تون کمک میکنه مخصوصا که متن المیزان متن شسته رفته ای نیست. ترجمهش که اصلا متن منظمی نیست پس ما باید از لابلاي متن، صحبت های علامه رو خارج بکنیم نظرات علامه رو.

حالا اگر کسی این قدرت و توان رو داره که عربی ش رو بخونه که چقدر عالی چون ترجمه به هر حال به معنای پیاده کردن متن اصلیه، اون نظام متن اصلی رو نداره ضمن اینکه ادبیات پنجاه سال، شصت سال پیش با الان خیلی متفاوت، فهم متن خیلی مهم هست، اصطلاحا توی بحث های تفسیری میگن هرمنوتیک، فهم متن مهمه که نظر مفسر چیه و شما نظر مفسر رو استخراج بکنید.

بریم سراغ آیه ی شصت و چهار با این پیش زمینه که عرض کردیم یه مکالمه ای بین شیطان و خدا صورت گرفت و شیطان این اذن رو یافت که بنی آدم رو وسوسه بکنه با همه ی زور و توانش. "لَأُحْتَنِكَنَّ" آیه ی قبل در جلسه ی قبل گفتیم یعنی افسار انداختن به گردن بندگان خدا. یه گروهی از زیر این افسار خارج میشن به نام مخلصین قرآن، که این مخلصین هم می تونن انبیاء باشن، معصومین و هم تعداد خیلی کمی از اولیای خدا. فقط این گروه ند که شیطان زورش به این مخلصین نمیرسه نه افساری میتونه بندازه نه وسوسه ای میتونه بکنه و نه غلبه ای.

آیه ۶۴ "وَاسْتَفْزِزْ مَنْ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمُ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكِهِمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدَّهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا (۶۴)"

آیه ی شصت و چهار.

"وَأَسْتَفْزِرُ" از چه ریشه ایه؟ ریشه شو بگین؟ فَرَزَ؛ بله؛ فَرَزٌ همیشه، مضاعفه، یه حرف ش دوبار تکرار شده فَرَزٌ. باب استفعال رفته؛ طلب کردن توش داریم حتما. "وَأَسْتَفْزِرُ" یعنی بکشان از راه راست به سمت باطل، این مفهوم توش هست از راه راست بلغزان، خلاصه ش رو بگیم، هل دادن، هل دادن منتها هم هل دادن آرام و هم هل دادن با سرعت، بستگی به طرف داره که شیطان بتونه با سرعت هل ش بده یا مقاومت بکنه و به آرامی و آرام آرام اون هل بده. ما قدرت های مختلفی داریم، گاهی یک شیطان ما رو میتونه به سرعت هل بده به سمت یک مقصودی، گاهی به کندی، اون دیگه به تقوای ما بستگی داره.

پس این "وَأَسْتَفْزِرُ" باب استفعاله از ریشه ی فَرَزٌ "وَأَسْتَفْزِرُ مَنْ اسْتَطَعَتْ مِنْهُمْ" هرکی که تونستی یعنی خدا این اذن رو بهش داد به خاطر اختیار. هرکس را که توانستی چکار کن؟ هل شون بده، (دقیقه ۵) یا حالا تحریک کن به سمت خودت بکشون با صوت با صوت.

کلمات رو اول بگیم "وَأَجْلِبُ" اجلب از ریشه ی جلب به معنای باز سوق دادنه، کشاندن و سوق دادن. وقتی میگیم که من کسی رو یا یک چیز رو به سمت خودم جلب کردم یعنی انگار یه نیرویی پشت اون قرار دادم من به عنوان سائق به سمت خودم کشاندم "وَأَجْلِبُ" ریشه ی جلب. سائق و سوق دهنده. باب چیه "وَأَجْلِبُ"؟ افعال، أَفْعِلُ بکشان به سمت خودت.

"وَأَجْلِبُ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ" خیل یعنی چی؟ چه گروهی؟ آهان؛ سواره. هم به خود اسبان اطلاق میشه خیل، هم مجازاً به اسب سواران اطلاق میشه یعنی اصل کلمه ی خیل به معنای گروه اسبان زیاد کنار هم (اینو قبلا هم گفتم). چرا ما به اسب، به فَرَس میگیم خیل؟ خیال پردازه. اسب اگر اون چشم بند دور چشم ش رو نداشته باشه مسیر صاف رو نمیتونه بره خیلی با خیال پردازی راه میره و عرب این صحنه رو دیده اسم گذاشته، حرکت بازوهاش و دوتا دست هاش که جلو هستش خیلی با خیال پردازی و خوش خوشان هست. خب به این میگن خیل یعنی با خیالش راه میره. البته به یک اسب نمیگن، به تعداد اسبها میگن. بعدا این اسبان کنار هم مصداق فراوانی شد، که ما تو ادبیات خودمون میگیم خیلی، زیاد، فراوان، خیلی، اصلش این بوده. خب، اما اینجا به معنای اسب سواران هست یعنی شیطان یه لشکر سواره نظام داره.

"وَرَجِلٍ" از کلمه ی راجل هست، یعنی مخفف کوچک شده ی راجل هست به معنای پیاده نظام، خلاصه همه ی ابزاری که دست شیطان هست.

مثلا كَمِلٌ، کامل، یعنی كَمِلٌ مخفف کامل هست، رَجِلٌ مخفف راجل هست. مقابل راجل میشه چه کلمه ای؟ اگر راجل پیاده هست سوارش میشه چی؟ بگین راکب؛ بله. راجل، راکب. راجل یعنی پیاده، راکب یعنی سواره. با خیل و رَجِلت به سمت خودت بکشون.

وکار بعدی "وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ" شرکت در ملکیت و هرچیزی که مخصوص ما هست. مال، مال، ما هست دیگه، اعتبار خدا به ما داده و فرزندان، اولاد و اموال. شرکت میکنه در این، شیطان در این شرکت میکنه. "وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدِهِمْ" عد ریشه ش؟ وَعَدَ. واو "وَعَدِهِمْ" واو عطف هست؛ دقت بفرمایید. واو "وَعَدِهِمْ" واو عطفه. عد خودش یک فعل امره ریشه ش وَعَدَ هست.

(میدونید دیگه، بارها گفتیم) مثال واوی در امر واوش میفته، حرف عله کلا اگر مثال باشه در امر میفته همیشه "عَدِهِمْ" از اینا داریم. اگر دوتا حرف علال داشته باشه یعنی مُعْتَلٌ باشه همیشه وقنا فقط "ق" فعل هست. این هم عد فعله، "و" عطفه، "وَعَدِهِمْ" با هم نیستا و متاسفانه در رسم الخط قرآن اینو رعایت نکردند یعنی باید بین واو و عَدِهِمْ یه فاصله مثل تایپ یه اینتر میزنیم یه فاصله باید میداد که ما می فهمیدیم که این حرف عطفه، و عدهم، ولی سرهم نوشته به خاطر همین بعضی ها فکر میکنن که این واو جزء فعله؛ جزء فعل نیست.

(دقیقه ۱۰)

"وَعَدِهِمْ" بهشون وعده بده. پس بین ابزار چندتا داره؟ یکی تو آیه های قبل "أَحْتَنِكُ" یکی اینجاست صَوْتُ، یکی سوار نظام و یکی پیاده نظام و وعده ها "وَعَدِهِمْ".

"وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا" شیطان جزء غرور، غرور اینجا یعنی چی؟ فریب، نیرنگ.

سوال: احتناک و عد، اینا چی بود؟ پاسخ: ابزار شیطان، تمام امکانات شیطان برای فریب دادن و گمراه کردن و اضلاله. احتناک، استفزاز، (یعنی کشاندن، هل دادن) اجلاب، احتناک، استفزاز، اجلاب (یعنی جلب کردن، نوعش با هل دادن فرق میکنه) و شرکت، مصدری صحبت کردیم.

سوال: اجلاب بصری هست یعنی باید یه چیزی رو ببینه تا جلب بشه؟ پاسخ: بله؛ اول سمعی بعد بصری به قول شما. بله اول باصوت میکشه بعد با مظاهر دیدنی.

سوال: پس تقریباً اجلاب و استفزاز یکی میشه، فقط موقعیت هاش فرق می کنه؟ پاسخ: استفزاز برای سمعی بکار برده، اجلاب برای بصری، پیاده نظام و سوار نظام.

"غُرُورًا" هم که گفتیم از ریشه ی غَرَّ به معنای فریب، اسم فاعل ازش بگید؟ اسم فاعل بگید، غار. آره اسم فاعله. این مغرور فارسی که ما میگی معنی فرق میکنه ها ما تو فارسی مغرور رو میگی کسی که متکبر هست، البته از همون معنا اصلی گرفته شده ها. ولی کسی که با تکبرش فریب خورده، فکر کرده کسیه، به خاطر همین انگار معنا دوم گرفتیم در فارسی، در حالی که معنای اولش به معنای فریب دادن و فریب خوردنه. مغرور که اسم مفعوله یعنی کسی که فریب خورده، با مقامش با جاهش با قیافه ش با مثلاً صداسش، فکر کرده کسیه، مغرور به

این می‌گیم. در حالی که توی قرآن بحث "عُرُوراً" و عَرَّ به معنای مطلق فریب و نیرنگه، دسیسه، توطئه، فریب، نیرنگ. حالا بریم سراغ تفسیرش.

سوال: "عُرُوراً" اسم مصدر هست؟ پاسخ: بله؛ فعول.

خدمت‌تون عرض کنم که شیطان تو با آوازت "صَوْتِكَ" خب مصداق صوت شیطان چیه؟ در تفسیر آیه می‌گم، تمامی اصوات شیطانی که ابزار مهم امروزش میشه موسیقی رسانه. صوت شیطانی میشه موسیقی. شیطان با صوتت بکشون اونها رو یعنی با ابزار موسیقی و الان شما می بینید که موسیقی در نفوذ یک تفکر حرف اول رو میزنه. شما یه فیلم رو بدون موسیقی ببینید یه فیلم رو با موسیقی ببینید، تاثیر فیلم با موسیقی و با آهنگ چندین برابر و کشاندن یه گروه نوجوان یا جوان با موسیقی خیلی راحت تره از بدون موسیقیه، خیلی راحت ما می‌تونیم داخل این گروه‌ها بریم، انواع و اقسام گروه‌های رپ و بی‌تی‌اس اینهایی که الان تو جامعه باهاش مواجه هستیم، صوت، رسانه، موسیقی. حالا تو بحث فقه همیشه حلال و حرام و اینها بحث فقهی‌ش رو کاری نداریم. ولی آواها، نغمه‌ها بهترین ابزارن برای جلب، برای ابزارن برای جلب حتی یه گروه فکری، یه گروهی که ایدئولوژی داره برای خودش، شناخته شده هست، به راحتی میشه این رو انجام داد و خواننده‌های دنیا، خواننده‌های مطرح دنیا، اونایی که جوایز مختلف گرفتن جزو تاثیرگذاران اول دنیا هستن حتی جلوتر از هنرپیشه‌ها هستن. (دقیقه ۱۵) خواننده‌ها جلوتر از هنرپیشه‌ها محبوبیت دارن در دل کل دنیا، چون امکاناتش هم کمتره دیگه، فقط یه گوشه، یه سمعه، "وَأَجَلِبْ عَلِيْهِمْ بِصَوْتِكَ" همه‌ی آهنگ‌ها هم بد نیستن، من گفتم بحث فقهی‌ش کاری ندارم. حالا یکی می‌گه موسیقی حلال، خیلی خوب بریم سمت موسیقی حلال. این خط کش‌هایی که مراجع می‌زارن خط‌کش‌های متفاوتیه، باهم، همه یکی نیستن. امثال آقای بهجت و بروجردی در قدیم اینها مطلق می‌گه، کلمه‌ی مطلق میاره، مطلق موسیقی. بعد دیدن همیشه که.

دوستان: اصلاً با زندگی مون عجین هست. استاد: اصلاً نمیشه که، اومدن حکم ثانویه دادن، اومدن فیلتر گذاشتن خط قرمز گذاشتن از یه حدی به بعد، چه میدونم بحث لهُو و لعب نباشه، باهاش شما بدن تون تکون نخوره، یه سری چیزای اینجوری، بحث فقهی حتی مراجعی که الان آسون گرفتن رعایت ش سخته، چه برسه به اینکه که ما مثلاً مقلد آقای بهجت باشیم آقای بروجردی باشیم چه میدونم آقای خوبی باشیم و یا آقای سیستانی هم گاهی سخت گرفتن. اینا خب یه سری تاثیراتی هست که نمی‌تونیم منکرش بشیم. اثری که نت‌های موسیقی در حافظه‌ی یه انسان عادی می‌زازه سه برابر حافظه رو اشغال میکنه نسبت به یه مؤلفه‌ی کتابی، سه برابر در قسمت آمیگدال حافظه. هر یه نت موسیقی سه برابر حجم اشغال میکنه به خاطر همین ما خیلی برامون لذت بخشه به خاطر همین ما چیزهایی که آهنگین حفظ کردیم خوشمون میاد چون بیشتر از حافظه مون خورده و بهتر هم می‌مونه. خب پس این بحث صوت.

علامه هم می فرمایند که با آوازت از ذریه آدم، هر که رو می توانی گمراه و به معصیت وادار بکن و به حکم آیات سوره ی حجر، کسانی خواهند بود که ابلیس رو دوست داشته و پیروی ش کنن. دیگه باز نکرده منظور از صوت چیه. چون بعضی ها میگن صوت در گوش، کنایه از همون وسوسه هست، در حالی که انواع وسوسه رو باز کرده و قسمت بعد.

استفزاز با آواز کنایه از خوار کردن آنان با وسوسه های باطل و خالی از حقیقت هست. "وَأَجَلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ" برای به راه انداختن آنان به سوی معصیت سواره نظام و پیاده نظام بهشون دستور بده تا پیوسته بر سر آنان بزنن یعنی شما ای شیاطین اجنه ی شیاطین، آدم ها رو مثل لشکر خودت مرتب تحقیرشون کن به سرشون بزن ، دستور بده بهشون. لشکریان شیطان بعضی شان تندکار و بعضی شون کند کار هستن وضع هر لشکری همینطوره هست. حالا این توضیحات علامه هست.

"وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ" شرکت کردن شیطان با آدمی در مال و فرزند، سهم بردن از منفعت و اختصاص هست مثل اینکه آدمی رو وادار کند به تحصیل مال که خداوند آنرا مایه رفع حاجت قرار داده از راه حرام. از راه حرام مال بدست بیارید میشه "وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ" ربا و رشوه و حق الناس و این ها. از راه حرام فرزندی به دنیا بیاد میشه "وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَوْلَادِ" تو همه ی اینا شیطان شرکت داره.

یه مطلبی رو من نمیخوام خیلی باز بکنم ولی لازمه یه چیزهایی بگم. ببینید لزوما فرزند نامشروع، لزوما این نیست که پدر و مادر مشروع نباشن، در هنگام انعقاد نطفه هم، میشه نامشروع باشه، در هنگام انعقاد نطفه هم میشه نامشروع باشه یعنی فکر پدر و مادر، لقمه ی پدر و مادر، روابط شون هم با عالم حرام هم میشه، فرزند نامشروع.

سوال: نامشروع میشه یا همین شرکت شیطان در؟ پاسخ: همین شرکت شیطان در اولاد یعنی اینو بیایم مطلقش بکنیم. صرفا بحث (دقیقه ۲۰) رابطه ی خارج از شرع نیست حتی داخل رابطه ی مشروع هم میشه فرزند نامشروع به دنیا بیاد، اینم از شرکت شیطان در اموال و اولاد.

خب مفسرین، توجیهات دیگه ای هم آوردن اما علامه تقریبا گفته که وجه خوبی نیست و ردشون کرده. "وَعِدُهُمْ" شیطان بهشون وعده میده وعده های دروغین، وعده میده حالا امروز صدقه نده ، این کار نکن، این دعا رو نخون، چیزی نمیشه. حالا برو عصر بیا انجام بده، برو شب بیا انجام بده، وعده های دروغین. خطا رو در نظر انسان ثواب جلوه میده باطل رو حق جلوه میده. اینجا غرور رو علامه گفتن اسم فاعل هست.

آیه ۶۵ "إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا (۶۵)"

بعد خداوند چه می‌فرماید "إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ" تو بر بندگان صالح من هیچ تسلطی نداری، سلطانی نداری. از ریشه ی سَلَطَ، تسلط، تَفَعَّلَ .

"وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا" و کفالت پروردگارت کافیه، خدا بس هست برای اینکه انسان اراده بکنه که از شیطان دور باشه و از اموال و اولادش محافظت بکنه. کلمه ی وکیل یعنی اینکه یه کسی امور دیگه ای رو، امور شخص دیگه رو متکفل بشه.

بریم سراغ بحث روایی سیاق تموم شد.

در معنی اسم فاعل هست، تمام وعده های شیطان فریب دهنده هستن. اینطور باید معنی و ترجمه کنیم.

در تفسیر البرهان یک تفسیر روایی هست، البرهان مال شیخ یوسف بحرانی، از حسین ابن سعید یکی از یاران امامان دهم، یازدهم و دوازدهم هست. خلاصه زنجیره رو گفته، فرموده که از امیرالمؤمنین علی علیه السلام شنیدم که می‌فرمود رسول خدا فرمود خداوند بهشت را بر هر کسی که فحاش و بی حیا باشد و باکی نداشته باشد از اینکه چه می‌گوید و مردم درباره اش چه می‌گویند حرام کرده چون اینگونه افراد یا خود شیطان یا شیطان در نطفه‌ی آنان شریک هست.

سوال: می‌پرسند که اگر نمی‌دونستیم اسم فاعله چه ترجمه می‌کردیم؟ پاسخ: مصدری معنی می‌کردیم دیگه همه ی وعده های شیطان فریب است. اسم مصدر معنا می‌کردیم، برگشت معنایی جفت شون یکیه. آدم فحاش و بی حیا روایت می‌گه نطفه ی شیطان یا کسی که متعرض مردم شود درباره ی ایشان چیزها بگوید باز هم همین معنی رو میده.

در تفسیر عیاشی از محمد ابن مسلم، محمد ابن مسلم میدونید کیه؟ بله؛ از اصحاب امام باقر و امام صادق علیهم السلام هست جزو اصحاب اجماع هست. جزو اون شش تای برتر هست. محمد ابن مسلم همونیه که پدرش غلام بوده امام سجاد آزدش کرده، خودش این شده، محمد ابن مسلم خیلی شخصیت بزرگی داره. روایت کرده از امام باقر علیه السلام از آن جناب معنای شرک شیطان را پرسیدم، یعنی شرک منظوروش هست؛ این معنانش چیه؟ فرمودند: هرچیزی که از مال حرام باشد میشه شرک شیطان. بعد علامه گفتن که تو این زمینه، خیلی روایت داریم بحث شرک. هر مال حرامی، هر فرزند ناخلفی هر آدم بد دهنی یه جای کارش میلنگه، کسی که فحاشه، بی حیایی میکنه.

خیلی خوب بریم سراغ قسمت بعد. (دقیقه ۲۵)

سوال: فقط این دو تا، فحاشی و بی حیایی؟ پاسخ: علامه میگن روایات زیاده راجع به شرک شیطان، به طور مطلق هرگونه مال حرام شرک شیطان هست هرگونه فرزند ناخلف شرک شیطان.

یه روایت هست البته اینجا علامه نیاورده، من یه جایی دیگه دیدم اونم خیلی عجیب هست. بعضی از بچه هایی که الان شما می بینید من نمی تونم جمع ببندمش به شکل مطلق، کار درستی نیست، شاید چون روایت یه چیز کلی داره میگه، بعضی از افرادی که ما مصداق ترنس میدونیم اینها رو، حالا جدای از مسائل ژنتیکی و چیزایی که واقعا دست پدر و مادر هم شاید نبوده بعضی از اینها رفتار نامشروع پدر و مادر در هنگام انعقاد نطفه هست. وقتی فرزندی اینجوری میشه رفتار پدر و مادر توش دخالت داره. این عین روایته بهش اشاره میکنه که جن در اون موقع حضور داره و بچه میشه ترنس. حالا ترنس امروزی حالا دوجنسه میگن، فراجنسی میگن، انواع و اقسام این اختلال ها.

سوال: توی روایت گفته شده چه کارهایی باعث میشه؟ پاسخ: بله؛ در روایت اشاره شده که چه کارهایی باعث میشه که فراجنسیتی انسان عمل کنه، یعنی مرد هست اما رفتار زنانه داره، نشانه های آخر زمان. زن هست رفتار مردانه داره از نشانه های آخر زمانه.

من میگم به خاطر این که رعایت انصاف بکنم و همیشه قضاوت کرد همه ی اینها رو توی دایره قرار نمیدم، اما روایت هست.

سوال: پدر و مادر یه کاری کردن، بچه چه گناهی کرده؟ پاسخ: گناهش پای پدر و مادریه که رعایت نمیکنن. نه؛ خودش که نه.

دوستان: اینکه که میگن پدر و مادر قبل از هر عملی وضو بگیرن و بسم الله بگن علتش اینه که اونا رو رفع میکنه؟ پاسخ: بله؛ خیلی عذر میخوام حالا باز مجبورم یه سری صحبت هایی رو داشته باشم خدمت تون. ما یه سری از روابط رو به نام زنای ذهنی داریم (تو روایت هست.) که اینها باعث تولد فرزندان غیر عرفی میشن حالا فرزندان که برای ما عجیب هستن، رفتارهایی که از فرزندان می بینیم گاهی نتیجه ی این هست. یه چند دسته روایته در مورد فرزندان ناخلف یا فرزندان که رفتارهای خاصی دارند منشأش رفتار پدر و مادر هست در هنگام انعقاد نطفه. بازهم میگم دیگه این حرف رو به نام من ننزیدا به شکل مطلق و کلی نمیام همه ی اینا رو توی یک دایره قرار بدم به خاطر رعایت انصاف. شاید یه مشکل ژنتیکی یا یک مریضی باشه که به خاطر همین بعضی از مراجع اینو فتوا دادن که عملش عمل درستیه یعنی کسی که قیافه مرده اما تمایلات زنانه داره این عمل میکنه و یا برعکس. اینو از لحاظ فقهی اجازه دادن.

دوستان: بسیاری از مشکلات که داریم پیش علما که میری میگن پدر و مادر استغفار کنن هر روز باهم. استاد: بچه هایی که مشکلات بلوغ زودرس دارن جزو این دسته قرار میگیرند. بچه هایی که ذهن ها براشون آزاد شده وارد هر فضایی شدن خیلی چیزا رو زودتر از سن شون متوجه شدن، اینا همه آسیب هست دیگه و خشم های پنهانی که الان بچه ها دارن، بعضی از بچه ها خشم های پنهان دارند، کافیه عصبانی بشن شما متوجه میشین

چه حجمی از خشم و کینه درون این بچه هست در حالی که برای سن ش خیلی زوده این حرفا. عصبانیت های بی جایی که دارن، دادهایی که سر پدر و مادر میزنن به خاطر مثلا حرفی که موافق میل شون نیست اینها همه ریشه داره. یعنی ما وارد یه برهه ای از زمان شدیم که یه سری چیزها رو باید بپذیریم. یه سری بچه هایی الان تو جامعه مون می بینیم شاید هم تو خانواده های خودمون می بینیم.

سوال: یه سری میگن تربیت اشتباه هست از احاظ تربیتی هست که منجر به این رفتار شده؟ پاسخ: تربیت ها هم تربیت شیطانیه دیگه، تربیت اشتباه باشه میشه شیطانیه. یه چیزی زودتر از موعد، وارد بحثی شده زودتر از سن ش یه چیزی رو فهمیده، معلومه تحمل نمیکنه میشه خشم پنهان میشه اون رفتارهای پنهان، که اگر این بچه میدان برانش باز باشه یه کارایی ازش سرمیزنه که واویلا. ما تو ایام این اغتشاشات دیدیم بچه های چهارده پونزده ساله (دقیقه ۳۰) دست به کارایی زده بودن که تعجب میکردی خب اینا جمع شده تو اینها، فضا براشون زودتر از سن شون باز شده؛ متاسفانه.

شروع آیات سیاق ۶۶ تا ۷۲ تا ابتدای آیه ۶۸

آیه ۶۶ "رَبُّكُمْ الَّذِي يُزْجِي لَكُمْ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا (۶۶)"

خب بریم سیاق بعد آیات شصت و شش تا هفتاد و دو.

انگار لحن عوض میشه آیه ی شصت و شش. "رَبُّكُمْ الَّذِي يُزْجِي لَكُمْ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا (۶۶)" پرودگار شما کسی است، "رَبُّ" مبتدا، پرودگار شما کسی که کشتی رو در دریا برای شما به حرکت در می آورد تا از فضل او روزی بجوئید، "لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ" بغي یعنی طلب. "إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا" داره سیاق قبلی رو تکمیل میکنه البته این آیه، منتها می تونیم شروع یک مطلب جدید تصور کنیم. منتها نکته ای که توی این آیه هست بحث استجابت دعا هست بحث کشف ضر و رفع بلا رو داره تو این آیات میگه و مکمل آیات قبل هست.

"يُزْجِي" از ریشه ی، بگید ریشه شو؟ برعکسش؛ جَزَى. مغلوب شده اصل معنی ش اینه. جَزَى و زَجَى اینها مشتق هستن. ریشه ی اصلی جَزَى هست، راندن، سوق دادن. سوق شیطان صحبت کردیم دیگه این استفزار، اجلاب و احتناک و اینها رو گفتیم. در مقابل همه ی اینها میگه خدا شما رو می راند و سوق تون میده "وَأَذًا مَسَّكُمْ الضَّرُّ فِي الْبَحْرِ" یکی از مصادیق دیدنی هل دادن، سوق دادن خداوند، کشتی هست، نه که فقط این باشه ها یه مثال عینی برای ما زده. همون خدایی که به وسیله ی بادهای کشتی شما رو حرکت میده روی دریا، شما رو هم هل تون میده، اگر شیطان هول میده خدا هم سوق داره. بعد تو این هول دادنه رزق هم آورده، شما

رو هل تون میده که برید دنبال رزق و روزی، "لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ" تو روز برید دنبال کار و کسب روزی، چرا که خداوند بر شما رحیم هست، بر شما مهر داره، رحمت داره.

دوستان: اون مال که توی آیه قبلی گفته بود انگار از سمت خدا که میاد اسمش گذاشته رزق؟ استاد: احسنت. ما یا از طرف خدا رزق دریافت می کنیم یا از طرف شیطان صوت و سوق دادن های اینطوری. اگر ما دنبال رزق حلال نریم قطعاً سراغ حرامش میریم.

آیه ۶۷ "وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِيَّاهُ فَلَمَّا نَجَّكُمُ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا (۶۷)"

"وَإِذَا" هنگامی که، "مَسَّكُمُ الضُّرُّ" به شما یک ضری برسه، "ضُرُّ" یعنی چی؟ ضرر همون دیگه. "ضُرُّ" اسم مصدرشه، "مَسَّكُمُ" که میدونید یعنی چی؟ مس کردن، رسیدن، آهان و چون در دریا به شما خطری برسد، "فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِيَّاهُ" اینو معنی کنید؟ "مَنْ" هرکسی "ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِيَّاهُ" آهان "ضَلَّ" فعل.

دوستان: کسانی که غیر از خدا می خونندین فراموش میشن انگار. استاد: فطرت تو دریا باز میشه کارکرد دریا اینه. چون شما هیچ دسترسی به هیچ امکاناتی، وسط دریا گیر بکنید فطرت فقط اونجا باز میشه، هیچ، نه به ساحل دسترسی داری نه به امکاناتی وسط دریا، آدم خدانشناس میشه موقعی که یه طوفانی هم بیاد.

سوال: اضطرار میشه؟ پاسخ: اضطرار واقعیه.

دوستان: "أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ" واقعی. استاد: دقیقا. از وسط دریا بدتر اینه که (دقیقه ۳۵) با هواپیما بالا سر دریا باشی یعنی مثلا مسیره های بعضی از کشورها که از روی اقیانوس باید رد بشن، می بینی ده ساعت، دوازده ساعت، شونزده ساعت بالای آب هستن، داخل هواپیما، دیگه خیلی فطرت خدانشناس تر میشه آدمایی که احساس خطر بکنن موقعی که در یه ارتفاعی از روی آب قرار دارن و هیچ امکانات دیگه ای هم ندارند.

"مَنْ" چه نقشی داره؟ "ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ" چیه؟ گم می شود هر آنچه که چی؟ چجوری معنی کنیم؟ گم می شود؛ "ضَلَّ" مجرد، گم می شود، مفعوله یا فاعله؟ کی گم میشه؟ "مَنْ" میشه فاعل. نه گفته چه کرده؟ من میگم لازم معنی کنید، گم می شود، نه گم می کند، اگر گم می کند، بود، حرف شما درست میشد، مفعول. میگه گم میشه هرکی رو که به غیر از خدا خونندین، فاعل هست.

سوال: در "تَدْعُونَ" واو نون بر میگردد به "مَنْ"؟ پاسخ: نه مخاطب شما، هرکسی که غیر از خدا خوندید گم

میشه "إِلَّا إِيَّاهُ".

"فَلَمَّا" همین آدمی که زبان فطرتش باز شده به محض اینکه "فَلَمَّا نَجَّكُمْ" نجا رو بازش کنید چه بابیه؟ نَجَوَ، نجات. نَجَوَ هست ریشه ش، به معنای نجات. "نَجَا" چه بابیه؟ تفعیل؛ احسنت. بله باب تفعیل، فَعَلَ نَجَا، ینجی، مصدر بگید؟ تَنْجِيَه. تنجیه تفعله. باب تفعیل هشت تا مصدر داره یکی از مصادرش تفعله هست، تنجیه. همین که، "فَلَمَّا" لما اینجا به چه معنی میده؟ زمانی؛ احسنت.

ما چند نوع "لَمَّا" داریم لما استثنا داریم، لم ولما ی جزم داریم، لمای زمانیه داریم. باید تشخیص بدیم که کجا چه معنی کنیم. "فَلَمَّا" یعنی موقعی که، زمانی که خدا شما رو نجات داد، "إِلَى الْبَرِّ" رفتید به سمت یک خشکی یک ساحلی "أَعْرَضْتُمْ" سریع یادتون میره که چی می خوندید، این انسانه. "أَعْرَضْتُمْ" اعراض کردید، "وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا" الْإِنْسَانُ، الف و لامش چیه؟ معرفه، چه نوع معرفه ایه؟ عهده، چه نوع عهدیه؟ عهد نیست البته، عهد نیست جنسه، استغراق، "الْإِنْسَانُ" کل انسان. گفتیم استغراق همه رو تو خودش غرق میکنه. اون الف و لام برداری؛ جاش کُل میتونی بزاری؛ مفهوم؟

"وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا" كَفُورًا، فَعُول چه صیغه ایه؟ مبالغه هست بله، بسیار کفران پیشه، انسان خیلی کفران پیشه هست، خیلی ناسپاسه، همونی که وسط دریا موقعی که تمامی خطر ها بهش هجوم آورده بود، داشت خدا رو صدا میزد با اضطرار و التماس، پاش رسید به خشکی فراموش کرد. همه ی انسان ها اینطور هستن مگر یه گروه اندکی که در همه حال یاد خدا هستن نه فقط موقعی که.

سوال: اینکه همه انسان ها این طور هستند یعنی انسان اینجوری؟ پاسخ: ذات انسان کفوریه مگر، این مگرش مهمه دیگه.

سوال: خدا از ما چجوری انتظار داره که ما کفور نباشیم؟ پاسخ: خب برای اینکه جزو اون گروه کوچیک بشیم باید یه کارهایی انجام بدیم.

سوال: این کفور منظورش همون کفر هست؟ پاسخ: بله؛ کفر نه تا معنی داره در قرآن؛ یادتونه؟ تکلیف هفته ی آینده بارها گفتیم اینو، نه تا معنی کفر رو در بیارید. (دقیقه ۴۰)

هم روایت حضرت امیر المؤمنین هست هم انواع کفر. خب در مورد لما سوال کردن، لمای زمانیه هست مثل همین جا. اکثر لماها زمانیه هست یا لمای جاذمه هست، لم و لما که سر فعل مضارع میاد، لما یذهب یا لمای استثناست مثل سوره ی طارق، "إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا" به معنای "الا" اونجا. پس سه تا لما داریم یا استثنا یا وقتییه یا زمانیه هست، اکثر لماهای قرآن اینن، یا سر فعل میاد و جزم ش میده.

سوال: لو و لمای استثنا بر سر اسم میاد؟ پاسخ: نه؛ لم و لمای جزم، جاذمه. لمای استثنا سوره‌ی طارق. و لمای وقتیه، زمانیه. سه تا شد.

خدمت تون عرض کنم که آیه‌ی، تفسیرش هم بگیم.

"الضُّرُّ" یعنی سختی و گرفتاری. "مَسَّ الضُّرُّ" یعنی دم غرق شدن، یعنی مشرف به غرق هست، منظور از "ضَلَّ" اینجا یعنی چی؟ محو شدن در خاطره هست، هر خدا و هر قدرتی که ما تو ذهن مون اون موقع داشتیم یه دفعه‌ای محو میشه آدم ناخداگاه میگه ای خدا. از صفحه‌ی خاطر مون میره، وسط دریا پدر نمی تونه برامون کاری بکنه، حاکم نمی تونه برامون کاری بکنه، پلیس نمی تونه کاری بکنه، نیروهای فلان نمی تونن کاری بکنن، فقط خود خدا. همین الان هم ما اینطور هستیم جایی ممکنه به اضطرار برسیم، مثلا خدای ناکرده در مورد مرضی ها، نه از دکتر کاری برمیاد نه از اطرافیان کاری برمیاد، شروع میکنیم به دعا و صلوات و نذر و نیاز و اینا، این اضطراره. حالا اینو بیایم تشدیدش بکنیم در حالت، بهترین مثال وسط دریا هست، خدا هم همیشه این مثال رو میزنه، چون دریاست که شما رو مستاصل نشون میده و ناتوانیم در دریا. خب، منظور از دعا هم "تَدْعُونَ" طلب، درخواست هست نه دعای عبادتها، درخواست، می خواهیم.

دوستان: احتمال زیاد میگه دریا چون موجش و تلاطم هاش به چشم میاد شاید به خاطر همین؟ شاید ما تلاطم هایی که توی زندگی می بینیم زود فراموش بشه ولی در دریا دائما این تلاطم ها به چشم میاد. استاد: دریای یه بیکرانیه که انسان واقعا خودش کوچیک می بینه، شما در مقابل عظمت دریا احساس پوچی میکنید، ما هیچی نیستیم.

سوال: یعنی اون ناتوانی انسان توی دریا بیشتر به چشم میاد؟ پاسخ: بله. اسباب خودش جمع هست، ها نداره. اسباب در دریا از کارمیفتن. طوفانی بیاد اتفاقی بیفته اسباب اونجا به دردمون نمیخوره.

کشتی بسیار معروف و مجهز تایتانیک که اولین ادعایی بود که این کشتی هرگز غرق نمیشه، اتفاقی براش نمیفته، همون کشتی هم غرق شد.

علامه میگن میتونیم معنی ضلال رو همان معنای معروف راه گم کردن بگیریم "مَنْ تَدْعُونَ" یعنی اون آله‌ای که به غیر از خدا تو ذهن مون هست و حالا نکته‌ی خاصی نداره.

بعد می‌فرمایند انسان فطرتا متوجه خداست، استاد بله فطرت مون اگر دست نخورده باشه سفید بمونه، پاک بمونه، ما خدا رو خوب می‌شناسیم، وای به حال این که فطرت آلوده بشه، فطرت سیاه بشه، دانه‌های سیاه، لکه‌های سیاه هی بیان اونو بیوشونن و کار به جایی میرسه که کل فطرت آلوده شده (دقیقه ۴۵) و آدمهایی رو می بینیم که اصلا نشانی از فطرت ندارند. ذات خراب میشه، فطرت آلوده میشه، مصیبتی می بینن، اتفاقی می‌بینن، هیچی شون نمیشه دردشون نمیاد مثل همین بحث غزه، متأسفانه یه عده الان دارن خوشحالی میکنن،

توی فضای مجازی یا حالا اطراف، هیچ اتفاقی براشون نمیفته اصلا دلشون به درد نیما، حداقل یه اظهار افسوس به اظهار ترحم، خوشحال هم هستن بعضی هاشون، یعنی واقعا آدم اینجا تعجب میکنه اینها همون هایی هستن که فطرت رو از دست دادن. مگه میشه که انسان باشه فارغ از هر دین و مذهب و این صحنه ها رو آدم ببینه این اتفاق ها رو ببینه و اذیت نشه، اینا اذیت نمیشن، هیچ اتفاقی براشون نمیفته.

سوال: فطرت میشه قلب سلیم؟ پاسخ: فطرت میشه اون روح پاک دست نخورده.

سوال: فرزند نامشروع هم در بدو تولد به فطرت نزدیکه؟ پاسخ: بله؛ اون فرزند که دست خودش نبوده، بله؛ ممکنه فرزند نامشروع حتی آدم خوبی هم از آب دربیاد. ما نمی تونیم که بگیم چون شما تولدت مشروعی نبوده خودت هم ذاتا آدم بدی هست؛ نه. ولی خب اینها زمینه شون برای آدم بد شدن بیشتر از آدمای دیگه هست. یه تعداد زیادی از مسلمانان صدر اسلام که اومدن به پیغمبر ایمان آوردن و اسلام آوردن نامشروع هستن ولی خب اومدن تو بعضی از جنگ ها شهید هم شدن. ببینید نامشروع بودن دلیل بر شقاوت نیست اما زمینه شون فراهم تره اینطور بگیم، راحت تر گمراه میشن ولی به راحتی هم می تونن از اون مسیر گمراهی خارج بشن.

"وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا" کفران نعمت عادت انسانه. "كَانَ" آورده "كَانَ" فعل ناقصه، منتها اینجا به معنای عادت و استمراره، یه طبیعت انسانی داره چون همش با اسباب مادی و طبیعی سروکار داره در اثر عادت کردن به اسباب مادی اون اصل کاریه رو فراموش میکنه، مسبب الاسباب رو فراموش میکنه. ما علاوه بر اینکه تو فضای مادی گیر کردیم با اسباب مادی سروکار داریم گاهی باید بیایم علت ها رو توی فرامادی نگاه بکنیم. غیر از دکترو غیر از پدر و مادر و کسایی که به ما ولایت دارن، ریاست دارن، قدرت دارن، میتونن مشکل ما رو حل بکنن یه نیروی دیگه ای هم باور بکنیم می تونه مشکل ما رو حل بکنه. به فرامادی فکر بکنیم همیشه اینطور نیست که بگیم خب عقل میگه که الان این مسیر مریضی اینطور هست، چه میدونم مسیر رسیدن به یه امر اقتصادی اینجور هست باید ما اعتقاد داشته باشیم به یک امر فرامادی، به یک سبب بالای اسباب که بهش میگیم مسبب الاسباب، یه خدایی هست اسباب دستشه "وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا" خب با این تموم میکنه.

اعراض آدم از یاد خدا فطری نیست همین که پاش میرسه به خشکی از خدا غافل میشه این دیگه فطری نیست. دلیل بر توحید ربوبیه این آیه. اگر انسان کارش در یه حادثه ای به جایی برسه که از هر سببی مایوس بشه این مسبب الاسباب خودشو بیشتر نشون میده، به چشم اینا بیشتر میاد، یه امید نجاتی براش باز میشه. این تو اصطلاح علمی میگن که هوش برتر. قدرت برتر، ما میگیم خدا.

خب تا سر اینجا باشه چون مبحث بعدی مون هم هست تا سر آیه ی شصت و هشت.

سوال: این مخلصین، اینجا بیشتر "ان عبادی" آورده در آیه ۶۵ یعنی اینا در تمام زندگی شون فقط با خدا هستن؟ پاسخ: مخلصن دیگه مخلص اسم مفعوله یعنی کارش خیلی سخت تر از مخلصه.

سوال: یعنی ما شریک داریم یعنی یه کارهایی مون بندگی می کنیم یه کارهایی مون؟ پاسخ: از بندگی غافل میشیم.

سوال: یعنی ماها جزو این نمیشیم؟ پاسخ: گاهی ممکنه شیطان نتونه کاری بکنه. برای ما حالته. ببینید ما یه روز معصومیم مثلا، دو روز معصومیم دو ساعت معصومیم، معصوم یعنی اون دو ساعت کاری که مسیر شر نداشته باشه انجام نمیدیم. تو اون بازه زمانی شیطان نمیتونه بر ما تسلط پیدا بکنه، این حالت رو اگر حفظ بکنیم میشه ملکه، حفظ نکنیم یه روز گناهکاریم یه روز بیگناه ایم. دیگه اونجا خدا با ترازوی عدل خودش با ما رفتار میکنه. خیلی خوب این از بخش اول. (دقیقه ۵۰)

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ